

دکلاماسیون از دیدگاه
دکتر سید وحید عمادی

تهیه و تنظیم:
نیاد بین المللی دکلمه

مقدمه و تقریظ:
به قلم پروفسور سید حسن امین

مترجم:
سید هادی عمادی

سرشناسه	:	عمادیسید وحید ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	دکلاماسیون از دیدگاه دکتر سیدوحید عمادی / تهیه و تنظیم بنیاد بین‌المللی دکلمه؛ مقدمه و تقریظ به قلم سیدحسن امین؛ مترجم سیدهادی عمادی.
مشخصات نشر	:	تهران: انا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۲ص؛ ۵/۲۱×۱۴/۵س.م.
شابک	:	978-964-5526-60-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	فارسی - انگلیسی.
موضوع	:	دکلمه
شناسه نزوده	:	امین، سیدحسن، ۱۳۲۷ - ، مقدمه نویسنده
شناسه افزوده	:	عمادی، سیدهادی، ۱۳۶۴ - ، مترجم
شناسه افزوده	:	بنیاد بین‌المللی دکلمه
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۸۶۲ف/ ۹/۴۱۲۹PN
رده بندی دیویی	:	۵۱/۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۳۴۷۶۶

انتشارات انا

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان فروردین، ساختمان ناشران، ط زیرین

۰۹۱۲۶۰۰۶۰۵ - ۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۰۴

عنوان: دکلاماسیون از دیدگاه دکتر سیدوحید عمادی

نویسنده: دکتر سیدوحید عمادی

مترجم: سیدهادی عمادی

حروف چینی: موسسه کهکشان ۶۹۵۵۰۰۴

صفحه آرایشی: حمید محمدی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شابک: ۱-۶۰-۵۵۲۶-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تیراژ: ۲۰۰۰

فهرست مطالب

۸	مقدمه و تقریظ:
۸	۱. درآمد
۹	۲- هنر دکلاماسیون
۹	۲-۱- مفهوم و مصداق هنر
۱۰	۲-۲- دکلاماسیون
۱۱	۳- عقل و عشق
۱۵	مقدمه نویسنده
۱۶	دریا، ادب، ادبیات و تاریخ آن
۱۷	الف) تاریخ ادبیات
۱۹	دکلمه چیست؟
۲۰	الف) شرایط دکلاماسیون
۲۰	ب) ارکان دکلمه
۲۱	ج) اهداف دکلمه
۲۳	فطرت انسانی
۲۶	عقل و عشق
۲۷	الف) ریشه واژه عشق
۲۹	ب) بررسی معنی عشق
۳۰	ج) انواع عشق
۳۱	د) تقسیم بندی انواع عشق
۳۲	ه) عشق در کلام بزرگان
۳۴	و) تفاوت عشق و شهوت
۳۴	ز) دیدگاه فرهنگی عشق
۳۵	انتظار و احساسات
۳۶	ارتباطات
۴۰	الف) تعریف ارتباط
۴۱	ب) ارتباط در مسیر احساسات
۴۱	ج) تعریف ارتباط احساسی
۴۱	د) روابط بدون ارتباط احساسی
۴۲	ه) پیوندهای محکم
۴۲	و) نشانه‌های ارتباط احساسی

- ۴۳..... (ز) چطور پیوند احساسی برقرار کنیم
- ۴۴..... قدرت کلام خلاق و بیان
- ۴۵..... نگاه عاشقانه
- ۴۷..... دکلمه از دیدگاه دکتر سید وحید عمادی
- ۵۲..... نگاهی اجمالی بر فرهنگ و ادب ایرانی

www.ketab.ir

مقدمه و تقریظ

به قلم: پرفسور سید حسن امین

استاد صاحب کرسی حقوق بین الملل در دانشگاه گلاسگو کالیدونیان انگلستان
استاد ارشد حقوق و ایران شناسی در دانشگاه مطالعات خارجی پکن، جمهوری خلق

چین

نویسم سر نامه ام نام دوست که زیباترین نام‌ها نام اوست

۱. د. سید

در این روزها که به عنوان «استاد داور» در پایان نامه‌های دوره دکتری حقوق بین الملل به دانشجو متبوع قدیمی خود در انگلستان (دانشگاه گلاسگو کالیدونیان) آمده ام، توفیق یافته‌ام که بعضی از کارهای ناتمام خود را که مجال اتمام آنها را در ایران نیافته بودم، در این فرصت علمی و مطالعاتی در گلاسگو به پایان برسانم و یکی از آنها نوشتن این مقدمه بر کتاب ارزشمند حاضر است.

این کتاب، محصول دانش و پیرایش دست آورد مطالعه و تتبع و تحقیق دوست فرهیخته ما حضرت آقای استاد سید وحید عمادی (بنیانگذار بنیاد بین المللی دکلمه) است که به احتمال و کوشش دوست ارجمند دیگرمان جناب آقای احمد کجوری به زیور چاپ آراسته می‌شود و من پیشاپیش انتشار آن اثر ارزنده را به این دو وجود ذی جود تبریک و شادباش می‌گویم و همین جا از خدمات و زحمات این هر دو بزرگوار به فرهنگ و هنر کشور و تجلیل و تبخیل ایشان و حادان علم و ادب، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

کتاب حاضر، دو سه موضوع مهم را مطرح می‌کند که هر یک «نیست» تشریح و تبیین و شرح و بسط و تجزیه و تحلیل جدی است. از این میان، به قاصد «الاهم فالاهم»، من به ترتیب نظم و تبویب این تألیف منیف، به دو موضوع می‌پردازم. موضوع اول، «هنر دکلاماسیون» و موضوع دوم، مقوله «عقل و عشق» است.

من می‌گویم که به اختصار و اقتصاد، در باب هر یک از این دو موضوع مهم، به قدر مقدور و متناسب با زمان و مکان، اظهار نظر کنم، مگر بدین گونه‌ای مقدمه برای ذوالمقدمه مفید و سودمند افتد و به فهم و درک بهتر مضامین و مطالب اصلی کتاب

کمک کند.

۲- هنر دکلاماسیون

در تعریف و توصیف هنر دکلاماسیون، اول توضیحی در باب مفهوم هنر می‌دهیم و بعد، وارد مقوله دکلاماسیون می‌شویم.

۲-۱- مفهوم و مصداق هنر

هنر مثل بسیاری از چیزهای دیگر مفهوماً و مصداقاً در طول تاریخ و تحول یافته است و به قول کاندلر، آنچه از مقوله ذوقیات و ارزش باشد، به لحاظ اعتباریت زمانی و مکانی متغیر است (محاسن قوم عند قوم معایب). شما به پوشش و آرایش و پیرایش زنان ایرانی در عصر قاجار در عکس‌های بازمانده از آن روزگار بنگرید که به قول معروف خود را با هفت قلم رایش کرده‌اند و به خیال خود زیباترین عکس ممکن را از خود برجای گذاشته‌اند. پوشش و آرایش و پیرایش، امروز در نگاه زنان و مردان نسل حاضر، اصلاً و ابداً زیباترین و بی‌نقص‌ترین عکس‌های را با عکسهای زنان ایرانی حاضر در آلبوم‌های خانوادگی نایس کنید تا تفاوت مفهومی و مصداقی زیبایی پوشاک و آرایش و پیرایش را در جامعه واضح، به اعتباریت زمانی متوجه شوید. حالا اگر اعتباریت مکانی را هم مدنظر بگیرید و پوشاک مثلاً اعراب یا قشقایی‌ها یا هندی‌ها را در نظر بگیرید که تفاوت و تمیز در تشخیص زیبایی، عمیق‌تر می‌شود اساساً واژه هنر نزد ملل و نحل مختلف، مفهومی، غایت‌ناشته و دارد. در تعریف ذات باورانه افلاطون در فجر تمدن بشری از هنر، هنر راه رسیدن به حقیقت و از مقوله تقلید و محاکات بود.

با نقد و نظر کانت و لحاظ اعتباریت زمانی و مکانی در ذوقیات، هنر بیشتر به مفهوم ابزار بیان احساس و خلاقیت و نوآوری در پردازش زیبایی مطرح شد که بعدها گاهی با تکیه بر اندیشه‌های فروید بر فرافکنی ضمیر مغفول و وجدان ناخودآگاه تأکید می‌کرد و گاهی با رویکردی فرمالیستی و ساختارگرایانه به جریان‌های دیگر میدان می‌داد و هنر را به عنوان فرم خاصی که از طریق خط، رسم، سطح، حجم، رنگ، آهنگ و آوا یا حرکات موزون احساسی دلیزیر و التذادی چشم‌گیر در امروز در نظریه نهادی هنر، بیننده یا شنونده ایجاد می‌کند، تعریف کردند مرز هنر و غیر هنر، منحصرراً زیبایی و التذاد مخاطب است. اگر جامعه (چه به صورت آگاهانه و حرفه‌ای در سطوح

متخصصان که مته به خشخاش می‌گذارند و چه به صورت عامیانه و غیر تخصصی چیزی را به عنوان اثر هنری پذیرفت، آن موضوع هنر تلقی می‌شود و اینجاست که اصل تشکیک (به مفهوم فلسفی آن همچنان که در فلسفه ی اشراق در باب وجود و نور مطرح است) در باره هنر هم مفهوم و مصداق پیدا می‌کند و دیگر مختصات ذات باورانه یی برای تعریف هنر به مفهومی که قدما بدان می‌اندیشیدند، مطرح نیست.

به باور من، هم چنان که مکرر گفته و نوشته ام، هنر نیز همچون بسیاری دیگر از مفاهیم بشری و اجتماعی از زیبایی صورت و سیرت و اخلاق و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها بگریزنا شعری و نثر ادبی مفهومی سیال، تحول پذیر، متغیر و ناپایدار است. مردمک ی ارزشی یک جامعه خوب در عهد باستان یا حتی یک عضو خوب جامعه از زن و مرد در سده ها، با امروز چه تفاوت‌هایی کرده اند؟

همین تغییر، تحول‌ها در زمینه اعتقادات، اجتماعیات و هنر هم قابل تعمیم است و منتقدان هنری دست‌نویس و رزیایی یا تفسیر خود از ارزش آثار هنری، خود محکوم به همین حکم اند.

با حفظ همه این مقدمات، باید قبول کرد که دکلاماسیون هم از انواع هنر است، یعنی مصداق کار هنری است زیرا مصداق اختصاص خود را دارد و هم موجب التذاذ شنونده می‌شود. بنابراین من در بخش بعدی این مقدمه به بررسی مختصات و تاریخچه و پیشینه و لوازم و تبعات هنر دکلاماسیون بیشتر در حوزه فرهنگ ایرانی می‌پردازم.

۲-۲- دکلاماسیون

اصطلاح «دکلاماسیون» یعنی خوانش آهنگین متن ادبی، واژه یی فرنگی و لاتینی است اما مفهوم و محتوی و پیشینه و سابقه آن در ایران فرهنگی و فرهنگ ایرانی، از دیر باز شناخته شده بوده است؛ چنان که گفته‌اند: شعر گویای جان فای شعر خوانان می‌کنند یعنی گویندگان و سرایندگان شعر، مدیون و وامدار کسانی اند که آن اشعار را با ادای دست کلمات و تأکید بر روی الفاظ به نحوی آهنگین و فصیح و دلنشین با تغییر لحن، توقف کوتاه، سکوت معنی دار، بر مخاطبان می‌خوانند و با این هنر، به فهم معنی و تأکید بر آرایه‌های ادبی کمک می‌رسانند.

از دیر باز در ایران فرهنگی، هر شاعر بزرگی یک گوینده و روایتگر یا «راوی» مخصوص برای اجرای اشعار خود داشته است که در حقیقت همان دکلاماتور امروزی

بوده است.

در دکلاماسیون، نظام آوایی و واژگانی کلمه و کلام به طور عام و کاربرد موازنه ی لفظی و قرینه سازی صوتی و تناسب و تجانس آوایی به طور خاص، بروز و ظهور دارد و دکلاماتور با توجه به آهنگ انتخابی به هنگام خوانش یک متن یعنی در کل فرایند خروج صدا از اندام های صوتی گوینده و ارزش های هوا و لرزش پرده های گوش شنونده، به تک تک پاره صوت ها، واج ها، هجاها، کلمه ها، عبارت ها و جمله ها جان می دهد. آنها را نوعی به گوش مخاطب می رساند که گوش نواز و دلنشین باشد.

کتاب حاضر که حاصل تحقیقات جناب دکتر سید وحید عمادی در این رشته تخصصی به عنوان یک دکلاماتور برجسته ایرانی است آنچه شایسته است و بایسته است، در این زمینه، خواننده منتقل می کند و من لازم نمی دانم که بیش از این، در این موضوع سخن بگویم.

با این همه بی مناسبت نیست چون آقای دکتر عمادی، مؤسس بنیاد بین المللی دکلمه اند، توضیحی در باب دکلاماتورهای حرفه ای ایران کهن بدهم که آنان را «راویه» می گفته اند. واژه «راویه» با «راوی» که از جهت لغت، مونث راوی (روایتگر) است، به مرد هم اطلاق می شود و تفاوت این با «راوی» آن است که راوی هر روایتگری اعم از نیک و بد، حرفه ای (پروفسنال) و غیر حرفه ای (آماتور) توانسته بود اما «راویه»، یک دکلاماتور حرفه ای و ویژه کار بوده است که با داشتن مهارت های خاص (از جمله داشتن لحن و صوت خوب و حنجره مناسب، لغت شایسته و قدرت ادای صحیح کلمات) اشعار شاعران را به طور مرتب و منظم در محفل عمومی بر مخاطبان می خواند و پیام شاعر را به آنان منتقل می کند.

جالب تر آن که راویه ها تنها به شعر خوانی نمی پرداختند بلکه غالباً خوانی نیز می کردند که نمونه های آن مقامات بدیع الزمان همدانی، مقامات حریر و مقامات حمیدی و ... است. مقامه در ادب پارسی و تازی، نثری آهنگین آمیخته به شعر است در قالب واقعه یی روایی که باختر زبانی و موسیقایی آن از منظر توازن و تقارن به شعر کلاسیک نزدیک است.

۳- عقل و عشق

موضوع دیگری که در کتاب حاضر، مطرح شده است، عقل و عشق است که بحثی

است پر دامنه و جناب آقای دکتر عمادی با ظرافتی خاص به این مقوله مهم وارد شده و مبانی اساسی آن را در پیوند با دکلاماسیون بحث و راجع به هر یک نکته‌هایی زیبا و لطیف مطرح کرده‌اند. در فرهنگ سنتی ما، عقل را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: یکی عقل کل که اول ما خلق الله است و صادر اول در سلسله طولیه آفرینش الهی است و دیگری عقل جزئی و قیاسات و خیالات فردی. آن اولی، البته تقدیس شده است و این دومی مخصوصاً از ناحیه عرفا تخطئه بلکه در مقام مقایسه با عشق مسخره شده است. به قول سعدی:

حدید عقل در ایام پادشاهی عشق چنان رواست که احکام حاکم معزول
مرلانا بلال الدین محمد بلخی هم که پس از دی دیدار شمس متحول شد و عرفان
زاهدانه را رها کرد و به رفان عاشقانه پیوست می‌گوید:

گر کسی از نقل با تمکین بدی فخر رازی راز دار دین بُدی
این در حالی است که عشق هم دارای مراتب و مدارج مختلف از زمینی و آسمانی
بلکه عشق محض و عقل عقلانی یا عشق به معرفت است فلسفه همان دوست داشتن
حکمت باشد و فیلسوف واژه پی‌یوننی به معنای دوستدار حکمت و معرفت و به
عبارت دیگر عاشق عقل است. عشق و عقل همیشه با هم خصومت ندارند بلکه
می‌توانند در هم ادغام شوند و به فلسفه و عشق عقلانی تبدیل گردند و مکمل و متمم
هم باشند.

عشق، اساس آفرینش و رمز خلقت و به عبارت دیگر مدام ترین انگیزه تحرک و حرکت
تکاملی همه اجزای جهان آفرینش است؛ به قول وحید بافق:

یکی میل است در هر ذره رقاص	کشان آرزو را تا مقصد خاص
رساند گلشنی را تا به گلشن	دواند گلخنی را تا به گلخن
همین میل است کاهن را در آموخت	که خود را برد و بر آتش ریخت
برون آورد مجنون را مشوش	به لیلی داد زنجیرش نه می‌کش
ز گل بر بسته بلبل را پر و بال	شکسته خار درپایش که می‌بال
همین میل است چون گرد و قوی پی	شود عشق و در آید در رگ و پی
اگر صد آب حیوان خورده باشی	چو عشقی در تو نبود مرده باشی
اگر بینی ز اسفل تا به عالی	نبینی ذره پی زین عشق خالی

عشق همانند وجود، درک کردنی و وصف نشدنی (یدرک و لا یوصف) است و تعریف بردار نیست و به قول مولانا:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل گردم از آن
گرچه تفسیر زبان روشنگر است لیک عشق بی زبان روشن تر است

افلاطون می‌گوید که راه راست برای ره بردن به مهمات عشق، این است که از زیبایی‌های این جهان آغاز کنیم. در مکتب افلاطون، رب النوع عشق اروس است که هم به زنان می‌ماند و هیچ‌گاه پیر نمی‌شود و این بی شباهت به قهرمان «عقل سرخ» شهاب الدین سهروردی نیست.

این سینا در رساله عشق خود به پیروی از فلوطین اسکندرانی گوید: ان اکل واحد من الموجودات المدنیة شغف طبعیاً و عشقاً غریزياً و لیزم ضروره ان یکون العشق فی هذه الاشياء سبباً للوجود لها.

این رساله عشق ابن سینا استاد مرحوم سید محمد مشکوه که من هم در تهران در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و هم در انگلستان در سالهای اقامت آن استاد در خیابان کینریگتون در لندن به استفاده از حذر او موفق بودم، تصحیح و چاپ کرده است و بعدها مرحوم ضیاء الدین درّی آن را به فارسی در شمار رسائل ابن سینا ترجمه کرده است.

اندیشه‌های یونانی (افلاطونی) و اسکندرانی (فلوطینی و زروانی) در باب مفهوم عشق و جریان و جریان آن در کل عالم و در فرد فرد موجودات، امروزه در غرب به شکل عملی در روان‌شناسی جدید مطرح است.

برای نمونه، دکتر ژوزف مورفی در کتاب کاربرد هوش و فکر، از انرژی «سمانی» (عشق) به عنوان سبب ساز سعادت سخن می‌گوید و نیروهای باطنی را در بل عالم وجود، ساری و جاری می‌داند. ملاصدرا دنباله رو همین مکتب است. اما این که عشق، قدرتمند تر از عقل است، در ادبیات عرفانی ما به طور مؤکد تکرار شده است. عطار نیشابوری می‌گوید:

عقل کجایی برد؟ شیوه‌ی سودای عشق بازنیایی به عقل، سر معمای عشق
سعدی نیز گفته است:

آنجا که عشق دست تطاول دراز کرد
معلوم شد که عقل ندارد کفایتی
حافظ هم که لسان الغیب است گفته است:
حریم عشق را درگاه بسی بالاتر از عقل است

کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

خلاصه کلام آن که عشق به هر نوع و در هر مرتبه، قوی ترین نیروی محرکه همه موجودات عالم است. از همه مهم تر سرچشمه ی انواع هنر نیز همین عشق است. هر هنرمندی در سایه عشق به دنیای آرمانی هنر می رسد و این همان نکته یی است که جناب استاد سید وحید عمادی کوشیده اند در بخش دوم این کتاب تبیین کنند و بگویند: «مع بندی کرده اند که:

«عشق مایه ی مهر، ان است، حسادت نمی کند، به خود نمی بالد، مغرور و گستاخ و خود خواه است. سادگی خشمگین نمی شود. خطاها را به خاطر نمی سپارد. عشق عین حقیقت است. دماره امیدوار است. همواره پای بند است و بالاخره، عشق هرگز شکست نمی خورد!»

من با این کلام، مقدمه خود را به پایان می رسانم و تصریح می کنم که عشق هرگز شکست نمی خورد. عاشق، هرگز شکست نمی خورد. عشق، پیروز است.

سید امیر حسن امین

مدرس، کوه، انگلستان فروردین ۱۳۹۴

مقدمه نویسنده:

طبق روال هر ساله، لحظه تحویل سال ۱۳۹۳ هجری خورشیدی، در کنار سالمندان عزیز کشورم در آسایشگاه کهریزک تهران برای اجرای برنامه به عنوان مجری حضور پیدا کرده بودم. مسئول سالن از یک ساعت قبل از تحویل سال (ساعت دقیق تحویل ۲۰:۲۷:۷ روز پنجشنبه) رادیو را روشن کرده بود تا حدود ۱۷۰۰ نفری که نشسته بودند و منتظر اجرای برنامه بودند حوصله‌شان سر نرود. خوب به یادم هست؛ رادیو فصلی موج FM فرکانس ۱۰۵/۵ تهران. جالب اینجا بود که گوینده رادیو خود من بودم و در برنامه تحویل سال نو را که در بهمن ماه ۱۳۹۲ ضبط کرده بودیم پخش می‌شد.

از عشق می‌گفتم، امید به زندگی ... برایم خیلی جالب بود. اصلاً انتظار نداشتم که در آن موقعیت، در آن آسایشگاه سالمندان کهریزک با این روحیه روبرو شوم. پدران و مادران سالمندی که عاشقانه زندگی کردند و در این لحظه‌ی پر برکت عاشقانه کنار هم نشسته‌اند تا لحظاتی را یاد باشند.

با خودم گفتم، آیا من عاشقم. چند سال است که می‌خواهم عشق را بیان کنم. اما چگونه؟ گویندگی و دکلمه را مدت‌هاست انجام می‌دهم اما از درون بیان عشق را چگونه باید به مخاطبم انتقال دهم. کمی تأمل کرد. با خودم گفتم بهتر است برخی حقایق را که در آیین انسانی است بیان کنم و بند دیگری به عاشقان کشورم برپا کنم. این کتاب نیز نوعی اساس نامه و عهد و پیمانی است با بنیاد بین‌المللی دکلمه. در این چند برگ، پایه و اساس عینی احساسات و ارتباطات عاشقانه بر محوریت فطرت انسانی و چارچوب دکلاماسیون بیان شده است. من معتقدم که دکلاماسیون برای احاد جامعه شرقی یک تئوری و برای عاشقان، یک ابزارری است. باشد تا برگی از زندگی مان بر آستان محبت، عاشقانه مهر شود.

من تنها نیستم. جسمم سایه‌ام را دارد و من هم خدا را / یک جمع سه نفره

سید وحید عمادی

بنیانگذار و مدیر بنیاد بین‌المللی دکلمه